

حکم طلاق در مذاهب اسلامی

محمد عادل ضیائی^۱، عبدالصمد مرتضوی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۰)

چکیده

در روایات منقول از پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، طلاق، امری مبعوض تلقی شده و افرادی که بدون دلیل موجه، همسرانشان را طلاق می‌دهند، نکوهش شدید شده‌اند. منقولات زیادی در کتب روایی شیعه و اهل سنت و منابع تاریخی وجود دارد که امام حسن رضی الله عنه را مردی مطلق معرفی کرده که با همسران زیادی ازدواج کرده و بدون دلیل خاصی آنها را طلاق داده است. این روایات با روایات مشهور دیگری که ایشان را سرور جوانان بهشت معرفی کرده و از مکانت والای دینی و پرهیزگاری ستودنی ایشان حکایت دارد تعارض دارد. بررسی کتب روایی اهل سنت نشان می‌دهد که طلاق بودن ایشان در هیچ یک از کتب سته مشهور حدیثی ایشان نیامده و تنها دو روایت در مصنف ابن‌ابی‌شبیبه در این باب یافت می‌شود که یکی از روایان این روایات متهم به غفلت و توهم بوده است. روایات موجود در کتب روایی شیعه نیز با وجود زیاد بودن نسبی آنها، به جهت ضعف سندی یا مجهول بودن راوی یا ضعیف بودن روایان، قابل احتجاج نیستند. گزارشهای منقول در کتب تاریخی نیز اولاً با فاصله زیاد از زمان حیات امام حسن رضی الله عنه نگاشته شده‌اند و ثانیاً به جهت عدم اتصال سند، ضعف راوی و اشکالاتی از این دست، قابل استناد نیستند. بنابراین می‌توان گفت: با توجه به روایات صحیح مبنی بر تقید امام حسن رضی الله عنه به فرامین شرعی و احتراز ایشان از محظورات و حتی مکروهات و نیز عدم صحت روایات مبنی بر طلاق بودن امام حسن رضی الله عنه، انتساب این صفت به ایشان خلاف واقع بوده و از مشهوراتی است که مبنای علمی ندارد.

۱. دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) / ziaey@ut.ac.ir

۲. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی / mortadawi@gmail.com

کلیدواژه‌ها: امام حسن علیه السلام، طلاق، مطلق، ازدواج، راوی.

طرح مسئله

در احادیث نبوی و روایات منقول از ائمه، از یک طرف، امام حسن علیه السلام سرور و سالار جوانان اهل بهشت نامیده شده و پیشوایی مصلح و وارسته از خاندان اهل بیت علیهم السلام معرفی گردیده که بیشترین شباهت را به پیامبر صلی الله علیه و آله داشته و محبوب ایشان بوده است و از طرف دیگر در برخی منابع روایی و گزارشهای تاریخی، گفته شده که ایشان با زنان زیادی ازدواج می‌کرده و بدون وجود دلیل موجهی آنها را طلاق می‌داده تا جایی که پدر ایشان از این کارشان به ستوه آمده و در ملأ عام و بر فراز منبر، مردم را از به ازدواج در آوردن دخترانشان به فرزند خویش منع کرده است.^۳ این در حالی است که در برخی از احادیث نبوی و روایات مروی از ائمه علیهم السلام به صراحت و با شدت، طلاق دادن بی‌دلیل، نهی شده و امری منفور و مبعوض نزد خداوند تلقی شده است.^۴

وجود این دو دسته از روایات و گزارشها، ذهن هر پژوهشگری را به سؤالاتی معطوف می‌کند که مهم‌ترین آنها به قرار ذیل هستند:

روایتها و گزارشهای دال بر مطلق بودن امام حسن علیه السلام تا چه اندازه قابل اعتماد هستند؟ آیا این اطلاعات از منابع معتبر و موثق به منابع راه یافته است؟ آیا شهرت و کثرت این روایات می‌تواند دلیلی بر صحت آنها باشد؟ در مقام تعارض میان این دو دسته از روایتها چه باید کرد؟

وجود این سؤالات و سؤالاتی دیگر از این دست، ضرورت پژوهشی مستقل را در این زمینه نمایان می‌سازد؛ به‌ویژه آنکه امام حسن علیه السلام شخصیتی مورد احترام برای همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی بوده و گفتار و رفتار ایشان به عنوان یک مبنا، مورد پذیرش است و به همین دلیل است که در زمینه حکم فقهی طلاق با استناد به عمل امام حسن علیه السلام گفته شده که اصل در ایقاع طلاق، بر اباحه است. بنابراین، بررسی صحت انتساب مطلق

۳. رک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۸/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۲/۴۴؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ۳۳۰/۵؛ مجلسی،

۱۴۰۶ق، ۵/۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲/۲۲.

۴. رک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۴/۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸/۲۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۲۸۰/۱۵.

بودن امام حسن علیه السلام، علاوه بر نتایج تاریخی و اخلاقی، آثار فقهی و حقوقی نیز به دنبال دارد.

پیشینه تحقیق

مطلق بودن امام حسن علیه السلام و بررسی جنبه‌های روایی آن تا حدی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته و ضمن کتابها و به صورت مستقل، در قالب مقاله به آن پرداخته شده است که مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱- مقاله نقد و بررسی روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن علیه السلام که توسط سید محمد مرتضوی به رشته تحریر درآمده و در شماره ۷۶ مجله مطالعات اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد به سال ۱۳۸۶ چاپ شده است.

۲- مقاله بررسی روایی مطلق بودن امام حسن علیه السلام از دیدگاه امامیه و اهل سنت تألیف احمد نورمحمدی که در سال ۱۳۹۵ در پیام صادقین به چاپ رسیده است.

در مقاله اول، غالباً به بررسی روایات امامیه پرداخته شده و در مقاله دوم گرچه تا حدودی به روایات اهل سنت نیز توجه شده، ولی اعتماد اصلی بر منابع امامیه بوده است. با این حال، وجه تمایز مقاله حاضر با پژوهشهای پیشین آن است که این پژوهش، بر خلاف پژوهشهای مورد اشاره که صرفاً جنبه‌های تاریخی و روایی را مد نظر قرار داده‌اند، این روایات را از آن جهت ارزیابی تاریخی کرده که بعضاً توسط فقها در بحث حکم تکلیفی طلاق، در عملیات استنباط فقهی استفاده شده است. در واقع، در این مقاله، به نحوی حکم تکلیفی طلاق، در خلال ارزیابی صحت و سقم روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن علیه السلام بازکاوی شده است.

شخصیت امام حسن علیه السلام

ابومحمد حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام، نوه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگ‌ترین پسر علی و فاطمه علیها السلام، در نیمه رمضان سال سوم هجری و یا ماه شعبان همین سال، در شهر مدینه دیده به جهان گشود (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۴/۳۲۶؛ مقدسی، مطهر، بی تا، ۷۴/۵). امام حسن علیه السلام تقریباً ۴۵ ساله بود که در سال ۴۷ هجری قمری، جان به جان آفرین تسلیم کرد (مقدسی، مطهر، بی تا، ۷۴/۵).

رسول اکرم ﷺ حسن و حسین ﷺ را بسیار دوست می‌داشت و آنان را دو گل خوشبوی خویش می‌خواند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ۵۶۴/۱۰؛ بخاری، ۱۴۲۲ق، ۲۷/۵؛ ربک: ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۶۵۷/۵). گاه آنان را در آغوش می‌گرفت و می‌بوسید (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۷/۸؛ مسلم، بی‌تا، ۱۸۰۸/۴) و می‌فرمود: «خداوندا! همانا من این دو را دوست دارم؛ پس تو نیز آنان را دوست بدار!» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۲۶/۵؛ ربک: ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۶۵۶/۵). دوستی و محبت رسول خدا ﷺ به این دو نوه در حدی بود که روزی هنگام سخنرانی در جمع یاران، وقتی چشمش به آن دو افتاد، طاقت نیاورده و سخن را قطع کرد و از منبر پایین آمد و آن دو را در آغوش گرفت و در کنار خویش نشاند (ربک: ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۶۵۸/۵؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۰۰/۳۸).

حسن بن علی ﷺ بسیار شبیه رسول اکرم ﷺ بود (ربک: بخاری، ۱۴۲۲ق، ۲۶/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۰۰/۴۳). او در زمره پنج تنی است که رسول اکرم ﷺ آنان را از اهل بیت خویش خوانده و برای آنان دعا کرده که خداوند پلیدی را از آنان دور کند و پاکشان گرداند (ربک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۸/۲؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۳۵۱/۵؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۹۵/۲۸). رسول خدا ﷺ در مورد حسن بن علی ﷺ فرموده است: «خداوندا! من حسن را دوست دارم؛ پس دوستش بدار!» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۲۶/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۷۳/۳۷). نیز فرموده است: «همانا این فرزندم آقا و سرور است و امید است که خداوند توسط او میان دو گروه از مسلمانان آشتی برقرار کند» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۲۶/۵؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۶۵۸/۵؛ ربک: ابوداود، بی‌تا، ۲۱۶/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۹۹/۴۳). از دیگر فرموده‌های رسول اکرم ﷺ است که: «حسن و حسین سروران جوانان بهشتی هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۳۰۰/۴۳؛ ترمذی، ۱۳۹۵ق، ۶۵۶/۵؛ ابن‌ماجه، بی‌تا، ۴۴/۱؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ۳۱/۱۷).

بررسی و تبیین شبهه مطلق^۵ بودن امام حسن ﷺ

برای بررسی صحت و سقم این موضوع، نخست لازم است مستندات روایی مطلق بودن امام حسن ﷺ، از حیث سند بررسی شود.

۵. مطلق از ریشه «طلق» بر وزن مفعال است و همانند «مطلق»، بر مردی اطلاق می‌شود که به‌کثرت، زن طلاق می‌دهد (ربک: فراهیدی، بی‌تا، ۱۰۱/۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۲۲۶/۱۰).

۱. گستره اسناد و مدارک شبهه مطلق بودن امام حسن علیه السلام

در بسیاری از منابع و مآخذ شیعی و سنی اعم از کتب تفسیر و حدیث و فقه و تاریخ و غیره، به کثرت - و بنا به ادعای برخی به صورت متواتر - روایاتی نقل شده مبنی بر اینکه امام حسن علیه السلام در دوران کوتاه زندگی خویش زنان بسیاری را طلاق داده است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۳۲۸/۱۴؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۸/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۲/۴۴؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ۳۳۰/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۵/۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲/۲۲؛ ابن ابی-شبیبه، ۱۴۰۹ق، ۱۸۷/۴؛ هروی، ۱۴۲۲ق، ۲۱۳۷/۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۲۸۰/۱۵؛ بحرانی آل عصفور، بی تا، ۲۳۶/۱۰؛ ابن مازة، ۱۴۲۴ق، ۱۷۱/۳؛ زیلعی، ۱۳۱۳ق، ۱۸۹/۲؛ ابن-همام، بی تا، ۴۶۵/۳؛ جوینی، ۱۴۲۸ق، ۲۵/۱۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶ق، ۱۴۸/۳۲؛ ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ۲۹۰/۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۴۳/۸؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۲۵۱/۱۳؛ مقدسی، مطهر، بی تا، ۷۴/۵؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۱/۴؛ غزالی، بی تا، ۵۶/۲؛ بُری، ۱۴۰۳ق، ۲۰۴/۲). حتی برخی ادعا کرده اند: امام حسن علیه السلام آن قدر در طلاق دادن افراط می کرده که امام علی علیه السلام از این کار ایشان به تنگ آمده و مردم را از به ازدواج دادن دخترانشان به وی منع کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۸/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۲/۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۵/۹؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ۳۳۰/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲/۲۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۲۸۰/۱۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۴۲-۴۳/۸؛ غزالی، بی تا، ۵۶/۲؛ بُری، ۱۴۰۳ق، ۲۰۴/۲؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۲/۴؛ ابوطالب مکی، ۱۴۲۶ق، ۴۰۸/۲).

۲. «مطلق بودن» امام حسن علیه السلام شبهه‌ای که اصل برای صدور حکمی فقهی قرار گرفته است

بسیاری از فقها، ضمن قبول «مطلق بودن» امام حسن علیه السلام، به این اقدام ایشان استناد کرده و بر اساس آن گفته اند: در اسلام، اصل در طلاق بر اباحه است (ر.ک: قرطبی، ۱۳۸۴ق، ۱۲۶/۳؛ ابن همام، بی تا، ۴۶۹/۳؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ۲۲۷/۳؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ۴۵۹/۳؛ مقدسی، عبدالرحمن، بی تا، ۱۶۸/۳؛ بهوتی، بی تا، ۳۸۵/۲؛ البری، ۱۴۰۰ق، ۸۲/۱۰؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۲ق، ۴۸/۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۶۶۲/۲؛ جزیری، ۱۴۱۹ق، ۳۹۲/۴؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ۲/۵؛ زحیلی، بی تا، ۳۴۰/۹؛ الموسوعة الفقهية الكويتية،

۱۴۲۷ق، ۸/۲۹. این در حالی است که «مطلق بودن» امام حسن علیه السلام خود محل تردید است و برای دلیل قرار گرفتن، ضروری است که ابتدا تحلیل و بررسی سندی و محتوایی شود و آن‌گاه در صورت اثبات، بدان استناد شود.

نقد و ارزیابی روایات حاکی از مطلق بودن امام حسن علیه السلام

مهم‌ترین و در عین حال، کهن‌ترین منابع روایی در دسترس پیرامون موضوع مطلق بودن امام حسن علیه السلام عبارتند از: «المصنف» نوشته ابن‌ابی‌شیبیه، در گذشته ۲۳۵ق از اهل سنت و «الکافی» اثر کلینی، در گذشته ۲۳۹ق از امامیه؛ که در ادامه به تفکیک، روایات اهل سنت و امامیه در این موضوع بررسی می‌شود.

۱. تحلیل سندی روایات اهل سنت

در هیچ یک از کتب معروف حدیثی اهل سنت، جز «المصنف» ابن‌ابی‌شیبیه، روایتی مبنی بر این‌که امام حسن علیه السلام «مطلق» بوده یافت نشد. ابن‌ابی‌شیبیه نیز فقط دو روایت در این باب نقل کرده که هر دو «مرسل» و «ضعیف» است (ر.ک: ابن‌سعد، ۱۴۱۶ق، ۳۰۱/۱) و تنها از یک نفر به نام «حاتم» روایت شده است (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق، ۱۸۸/۴-۱۸۷).^۷ با آنکه بسیاری، «حاتم بن اسماعیل»^۸ را صدوق و ثقه دانسته‌اند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۴۵۶/۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۴۲۸/۱؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۲۷۱ق، ۲۵۹/۳؛ ابن‌حجر، ۱۳۲۶ق، ۱۲۸/۲؛

۶. در این کتابها قول آنان‌که اصل را بر اباحه در طلاق گذاشته‌اند، نقل شده است و لذا ارجاع به کتب مذکور، به معنای آن نیست که همه نویسندگان آثار فوق قائل به اباحه طلاقند.

۷. در کتاب المصنف ابن‌ابی‌شیبیه، تحقیق کمال یوسف الحوت که توسط مکتبه الرشید در سال ۱۴۰۹ق در ریاض به چاپ رسیده، در یکی از این دو روایت «حاتم» فرزند اسماعیل و در روایت بعدی فرزند جعفر خوانده شده که اشتباه تایپی است و در واقع «عن» تبدیل به «بن» شده است. متن کامل این دو روایت بدین شرح است: ۱. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ قَالَ: نَا حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، أَوْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، لَا تَزَوَّجُوا حَسَنًا، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطَّلَقٌ». ۲. حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ قَالَ: نَا حَاتِمُ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ: «مَا زَالَ الْحَسَنُ يَتَزَوَّجُ وَيُطَلَّقُ، حَتَّى حَسِبْتُ أَنْ يَكُونَ عِدَاوَةً فِي الْقِبَائِلِ».

۸. ابواسماعیل حاتم بن اسماعیل المدنی، مولی بنی عبد المذان از تبار بنی حارث بن کعب، در اصل، کوفی بود اما به مدینه مهاجرت کرد و در سال ۱۸۶ یا ۱۸۷ هجری قمری در همانجا بدرود حیات گفت (برای تفصیل بیشتر نک: مزی، ۱۴۰۰ق، ۱۸۷/۵).

عجلی کوفی، ۱۴۰۵ق، ۱۰۱؛ برخی چون نسائی او را قوی ندانسته (ر.ک: ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۴۲۸/۱) و برخی نیز گفته‌اند: او گاهی دچار غفلت و اوهام می‌شده است (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ۲۲۶/۲؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ۴۲۸/۱؛ البانی، ۱۴۱۲ق، ۱۱۲/۲). گروهی نیز وی را «ضعیف» و بلکه «بسیار ضعیف» دانسته‌اند (ابن جماعه کنانی، ۱۴۱۰ق، ۲۰۷؛ ابن فورک، ۱۹۸۵م، ۱۰۹). به این ترتیب، در کتب روایی اهل سنت، هیچ روایت معتبری مبنی بر «مطلق بودن» امام حسن علیه السلام وجود ندارد و تعداد روایات ضعیف موجود در کتب روایی آنان نیز از دو روایت فراتر نمی‌رود.

۲. تحلیل سندی روایات امامیه

بحث «مطلق بودن» امام حسن علیه السلام و به تنگ آمدن امام علی علیه السلام از کثرت طلاق توسط ایشان، به کثرت در کتب روایی امامیه یافت می‌شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۸/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۲/۴۴؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ۳۳۰/۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۵/۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۲/۲۲). اندیشمندان شیعه متذکر شده‌اند: در قریب به اتفاق سلسله سندی این روایات، «حُمید بن زیاد» و «محمد بن سَمَاعَه» و «یحیی بن ابی العلاء رازی»^۹ و «احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن برقی» حضور دارند که دو نفر اول، در عین حال که اندیشمندانی بزرگ و ثقه هستند، به دلیل آنکه «واقفی مذهب» بوده‌اند، در احادیث نقل شده توسط آنان اشکال شده است (ر.ک: خویی، ۱۳۷۲ش، ۳۰۲/۷ و ۱۴۴/۱۷). در مورد «یحیی بن ابی العلاء» نیز گفته شده است: او مجهول است (همان، ۲۷/۲۱). «احمد برقی» نیز به روایت حدیث از ضعفاء می‌پرداخته و دقت لازم را در مورد کسانی که از آنان نقل حدیث می‌کرده، به خرج نمی‌داده و لذا روایات او نیز مورد اشکال است (ر.ک: طوسی، بی تا، ۲۰؛ ابن غضائری، ۱۳۸۰ش، ۳۹؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ۱۴). بنابراین در عین حال که روایات مبنی بر «مطلق بودن» امام حسن علیه السلام در بسیاری از کتب روایی امامیه از جمله «الکافی» نقل شده است، اما از منظر بسیاری از اندیشمندان امامیه، هیچ یک از این روایات، دارای سند معتبر نبوده و قابل احتجاج نیست.

۹. در مورد این راوی خلطی صورت گرفته به گونه‌ای که برخی میان او و یحیی بن علاء تردید کرده‌اند که آیا این دو نفر یا دو نفر متفاوت هستند (ر.ک: خویی، ۱۳۷۲ش، ۲۷/۲۱؛ تفرشی، ۱۴۱۸ق، ۶۰/۵).

۳. تحلیل سندی گزارشهای تاریخی

در یک نگاه کلی، تاریخ‌نویسان را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد:

الف) گروهی هم‌چون ابن‌کثیر که به گفته خود، در کتاب تاریخش، از نقل اسرائیلیات - جز مواردی که در اسلام، تصدیق یا تکذیب نشده و شریعت، به نقل آن جواز داده^{۱۰} - اجتناب کرده و تنها به قرآن و سنت «صحیح» و «حسن» استناد و اعتماد کرده و موارد «ضعیف» را مشخص کرده است (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ۷/۱).

ب) گروهی هم‌چون «طبری» که در عین حال که امام و مرجع بسیاری دیگر از مورخان بوده (ر.ک: ابن‌اثیر، ۱۴۱۷ق، ۶/۱) و اما خود تصریح کرده که هر آنچه را شنیده، بدون تحقیق و سنجش و ارزیابی برای دیگران نقل کرده و به رشته تحریر در آورده است (ر.ک: طبری، ۱۳۸۷ق، ۷/۱؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق، ۶/۱).

اقدام گروه اول که بدون دقت نظر و تجزیه و تحلیل روایات، به نقل آن پرداخته‌اند، شایسته تقدیر است اما با این وجود، در کتابهای آنان نیز روایات ضعیف و مجعول فراوان یافت می‌شود. اما در مورد گروه دوم باید گفت: این روش آنان در نقل، خود دلیلی صریح و واضح مبنی بر عدم حجیت گزارشهای موجود در کتب آنان است، هر چند این گزارشها قدیمی و مشهور باشد.

از کهن‌ترین منابع تاریخی در دسترس پیرامون موضوع «مطلق بودن امام حسن علیه السلام» می‌توان به «الطبقات الکبری» اثر ابن‌سعد متوفای ۲۳۰ق و «قوت القلوب» نوشته ابوطالب مکی درگذشته ۳۸۶ق اشاره کرد. در عین حال که ابوطالب مکی در زهد و وعظ، از سرآمدان دوران خویش بوده و بسیاری، به دانش و صلاح او گواهی داده‌اند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۲۶/۲۶؛ ابن‌الوردی، ۱۴۱۷ق، ۳۰۳/۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ۱۱/۳۶۵)، اما به گواهی برخی اندیشمندان اسلامی، او در کتاب قوت القلوب، روایاتی بی‌اساس را نیز نقل کرده است (ر.ک: ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق، ۱۱/۳۶۶؛ ابن‌حجر، ۱۳۹۰ق، ۵/۳۰۰؛ زرکلی، ۲۰۰۲م، ۶/۲۷۴؛ صدقی، ۱۴۲۰ق، ۴/۸۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ۱۴۳۸۵). کتاب الطبقات الکبری نیز در عین حال که از کهن‌ترین و معتبرترین کتب تاریخی به شمار می‌آید، اما چنانکه بسیاری از جمله شارحان و تعلیق‌نویسان بر این کتاب متذکر شده‌اند، کتاب

۱۰. استناد به حدیث: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً، وَحَدِّثُوا عَن بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا حَرَجَ، وَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا، فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.» (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۴/۱۷۰؛ ابوداود، بی‌تا، ۳/۳۲۲).

مذکور، مشحون است از روایات مرسل و ضعیف که روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن علیه السلام نیز از این قبیل است (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۶ ق، ۱/۳۰۱).

در سند بسیاری از گزارشهای تاریخی مبنی بر مطلق بودن امام حسن علیه السلام افرادی چون «علی بن عبدالله بصری» مشهور به «مدائنی» متوفای سال ۲۲۵ ق و «محمد بن عمر واقدی» متوفای ۲۰۷ ق و «هذلی» متوفای ۱۶۷ ق به چشم می‌خورند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۲۷ ق، ۴/۳۴۰؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ۸/۴۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۶ ق، ۱/۳۰۳). در عین حال که بسیاری از جمله ذهبی و یحیی بن معین، مدائنی را ثقه و کاملاً مورد اعتماد و صادق دانسته‌اند (ر.ک: ذهبی، ۴۲۷ ق، ۸/۴۴۷؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ ق، ۴/۲۵۳؛ سمعانی، ۱۳۸۲ ق، ۱۲/۱۴۷؛ ابن اثیر، بی تا، ۱۸۲/۳) و اما برخی دیگر، پیرامون او دچار تردید شده (ر.ک: ابن حجر، ۱۳۹۰ ق، ۴/۲۵۳) و برخی نیز چون «ابن عدی»، با صراحت تمام در مورد او گفته‌اند: مدائنی در حدیث قوی نیست و تنها کمی از روایتهای او دارای سند معتبر است (ر.ک: ذهبی، ۱۳۸۲ ق، ۳/۱۵۳؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ ق، ۴/۲۵۳). «هذلی» مکتبی به «ابوبکر» نیز که تردید شده نام کاملش «سُلَیْم بن عبدالله» یا «روح بن عبدالله» است؛ از جمله کسانی است که «متروک الحدیث» بوده و ذهبی پیرامون او گفته است: «در این که او ضعیف» است میان علما اجماع نظر است» (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۶ ق، ۱/۳۰۳؛ صلابی، ۱۴۲۵ ق، ۳۰، به نقل از: ذهبی، دیوان المتروکین و الضعفاء، ۳۵۲). «واقدی» را نیز «احمد بن حنبل» کذاب خوانده و «ابن معین» به عدم توثیق او گواهی داده و گفته است: «روایاتش نوشته نشود». بخاری و ابوحاتم نیز او را «متروک» دانسته و «دارقطنی» نیز به ضعف در او گواهی داده است (ر.ک: ذهبی، ۱۳۸۲ ق، ۳/۶۶۳).

با نگاهی کلی و پس از کاوش و دقت نظر در کهن‌ترین و معتبرترین کتابها و گزارشهای تاریخی، به وضوح پی می‌بریم که در مجموع، گزارشهای تاریخی که حاکی از مطلق بودن امام حسن علیه السلام است؛ یا به صورت مجهول و بدون سند گزارش شده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۱/۴۶۸؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ ق، ۴/۱۸۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ۸/۴۲؛ ابن الوردی، ۱۴۱۷ ق، ۱/۱۵۸؛ ابوالفداء، بی تا، ۱/۱۸۳) و یا دارای سندی ضعیف و نامعتبر است و یا روایتهایی است مرسل، که ماهرانه به امامان علی علیه السلام و صادق علیه السلام و علی بن حسین علیه السلام و غیره نسبت داده شده است (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۱۶ ق، ۱/۳۰۲-۳۰۰؛ ذهبی، ۱۴۱۳ ق،

۳۷/۴؛ مقدسی، مطهر، بی تا، ۷۵/۵؛ سیوطی، ۱۴۲۵ق، ۱۴۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۲۴۹/۱۳؛ مزی، ۱۴۰۰ق، ۲۳۶/۶؛ ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۳۳۲/۴).

آنچه بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، آن است که چرا اغلب قریب به اتفاق این گزارشهای تاریخی و حتی روایات منقول در کتب حدیثی (ر. ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۸/۱۱؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹ق، ۱۸۷/۴) - بدون آنکه دارای سندی متصل باشد - به طور مستقیم به امام علی علیه السلام یا یکی از نوادگان ایشان چون امام صادق علیه السلام و امام سجاده علیه السلام نسبت داده شده است؟!

۴. تحلیل آماری تعداد همسران و فرزندان امام حسن علیه السلام

با آن همه همسری که برای امام حسن علیه السلام ادعا شده است^{۱۱}، تعداد فرزندان امام حسن علیه السلام قاعدتاً باید بسی بیش از تعدادی باشد که برای ایشان ذکر شده است، در حالی که مطابق گزارش مورخان، گروهی تعداد فرزندان امام حسن علیه السلام را فقط ۱۵ پسر و ۸ دختر و برخی دیگر ۱۱ پسر و یک دختر دانسته‌اند (ر. ک: دیاربکری، بی تا، ۲۹۳/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ۵۷۶/۱) و برخی تنها ۹ پسر را برای ایشان برشمرده‌اند (مقریزی، بی تا، ۵/۱). برخی نیز مجموع دختران و پسران امام حسن علیه السلام را تنها ۱۵ تن دانسته‌اند (ر. ک: طبرسی، ۱۳۹۰ق، ۲۱۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۰/۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ۵۷۶/۱؛ قمی، ۱۴۱۴ق، ۱۹۰/۲). ابن سعد در کتاب مهم خود الطبقات، فرزندان امام حسن علیه السلام را ۲۳ تن از ۱۰ همسر دانسته و نام همه آنها را همراه با نام مادر آنان آورده است (ر. ک: ابن سعد، ۱۴۱۶ق، ۲۲۶/۱-۲۲۵). اگر متون کهن تاریخی را که به ذکر نام فرزندان امام حسن علیه السلام پرداخته‌اند، بررسی کنیم، درمی‌یابیم که تعداد این اسامی، حداکثر ۲۵ نفر بوده است^{۱۲} که نام هر کدام از آنها در

۱۱. برخی راویان و تاریخ نگاران، تعداد زنان طلاق داده شده توسط ایشان را ۵۰ یا ۷۰ یا ۲۵۰ تا ۳۰۰ تن برشمرده‌اند (ر. ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۴۶۹/۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ۵/۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳۱۳/۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۶۹/۴۴؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۲۲/۱۶؛ ابوظالب مکی، ۱۴۲۶ق، ۴۰۸/۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۲۸۱/۱۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۳۰/۴).

۱۲. باید توجه داشت که هیچ مورخی قایل به وجود ۲۵ فرزند برای امام حسن علیه السلام نبوده است و حداکثر تعداد فرزندی که برای ایشان ذکر شده ۲۳ بوده است. به نظر می‌رسد این اختلاف یا ناشی از اختلاف در ذکر اسامی است و یا به آن دلیل است که برخی از فرزندان آن حضرت بیش از یک نام داشته‌اند.

برخی از منابع و به شرح زیر آمده است: حسن، زید، طلحه، قاسم، ابوبکر، عبدالله، عمرو، عبدالرحمن، حسین الاثرم، محمد، یعقوب، اسماعیل، عمر، حمزه، جعفر (ابن حزم، ۱۴۰۳ق، ۳۸/۱) و ام‌حسن و ام‌حسین و ام‌عبدالله و فاطمه و ام‌سلمه و رقیه (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ۲۱۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۶۳/۴۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۰/۲؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۲ق، ۱۸) و احمد و عقیل و عبیدالله و بشر (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۲ق، ۱۸).

به این ترتیب، اگر همه این گزارشها را نیز صحیح بینداریم و همه این اسامی را فرزندان امام حسن علیه السلام در نظر بگیریم، داشتن این تعداد فرزند برای آن دوران برای تعداد همسران معمول - و نه زیاد-، عدد معقولی بوده است.^{۱۳} در حالی که با فرض در نظر گرفتن همسران فراوان برای امام حسن علیه السلام که تعداد آنها تا ۳۰۰ نفر هم گزارش شده است، داشتن این تعداد فرزند، چندان منطقی به نظر نمی‌آید!^{۱۴}

ممکن است گفته شود که امام حسن علیه السلام فرزندان دیگری داشته و در منابع تاریخی ثبت نشده‌اند. در پاسخ باید گفت که این احتمال، گرچه منتفی نیست، اما بسیار اندک است، زیرا با توجه به جایگاه و محبوبیت امام حسن علیه السلام و وجود انگیزه کافی برای این کار و با وجود کثرت منابع، سخت بتوان تصور کرد که بیش از این فرزندان، موارد دیگری بوده‌اند که ذکر نشده‌اند.

از طرف دیگر با توجه به توصیه‌های دین مبین اسلام مبنی بر ازدواج با زنان ولود و زایا و اینکه پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در روز قیامت به کثرت امت خویش مباحثات می‌کند^{۱۵}، این دیدگاه هم منتفی است که امام حسن علیه السلام همسران زیادی داشته ولی به عمد، تمایلی نداشته که از آنان صاحب فرزند شود!!!

۱۳. به عنوان مثال برای امام علی علیه السلام از ۹ همسر فقط ۱۸ پسر ذکر شده است (رک: مقریزی، بی‌تا، ۵/۱).

۱۴. بر فرض عقیم بودن برخی از این زنان، یائسه بودن گروهی دیگر و... باز هم تعداد فرزندان امام حسن علیه السلام باید بیش از اینها باشد.

۱۵. در حدیثی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا الْوُدُودَ الْوُلُودَ فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ: با زن مهربان و زایا ازدواج کنید، زیرا من [در روز قیامت] در برابر سایر امتهای، به زیاد بودن شما مباحثات می‌کنم.» (ابوداود، بی‌تا، ۲۲۰/۲). در حدیثی دیگر آمده است: «تَتَاكَلَّحُوا، تَكْتَرُوا، فَإِنِّي أُبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: [ای مردان و زنان] ازدواج کنید، زیاد شوید که من در روز قیامت در برابر سایر امتهای به شما مباحثات می‌کنم» (صنعانی، عبدالرزاق، ۱۴۰۳ق، ۱۷۳/۶). در حدیث دیگری آمده است: «النِّكَاحُ مِنْ سُنَّتِي، فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِسُنَّتِي فَلَيْسَ

اجتماعی زیادی را به بار می‌آورد (ر.ک: دهلوی، ۱۴۲۶ق، ۲/۲۱۳)؛ و این با شخصیت ایشان که متخلق به اخلاق متعالی دینی بودند تناقض دارد.

۳- در میان روایات مبتنی بر مطلق بودن امام حسن علیه السلام به کثرت نقل شده که امام علی علیه السلام از مطلق بودن امام حسن علیه السلام به تنگ آمده و بر منبر رفته و مردم را از به ازدواج دادن دخترانشان به امام حسن علیه السلام باز داشته است^{۱۶}. این دسته از روایات از چند جهت دارای اشکال است:

اول آن که امام حسن علیه السلام خوب می‌دانست که احترام به پدر و مادر از دستورات مهم و صریح قرآن است که خداوند متعال پس از دستور به توحید و یگانه پرستی، بدان فرمان داده است. علاوه بر این، ایشان به خوبی نسبت به جایگاه علمی و معنوی پدر خویش، علی مرتضی علیه السلام واقف بود و هرگز از فرمان و مشورت ایشان تخطی نمی‌کرد. بدیهی است: نمی‌توان پذیرفت که امام علی علیه السلام قبل از این، حسن علیه السلام را در خفا از ازدواج کردن و طلاق دادن بسیار منع کرده باشد اما امام حسن علیه السلام به نافرمانی از پدر پرداخته باشد و لذا مجبور شده باشد که این موضوع را در ملاء عام و از روی منبر اعلام کند!

دوم آن که چگونه می‌شود امام علی علیه السلام بر روی منبر و فراروی آن همه مردم، شخصیت فرزندش را تخریب کرده و جگرگوشه خود را بیازارد^{۱۷}.

۴- در روایاتی، طلاق بی‌مورد، گناه (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۱/۴۶۵؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۸/۲۲) و از جمله اقدامات بسیار دوست‌داشتنی نزد شیطان دانسته شده و عوامل طلاق‌افکن نیز از مقربان شیطان برشمرده شده‌اند (مسلم، بی‌تا، ۴/۲۱۶۷؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ۲۲/۲۷۵). در روایاتی نیز افراد کثیرالطلاق و افرادی که بی‌جهت و برای تنوع-طلبی جنسی همسران خود را طلاق می‌دهند، مورد غضب و نفرین خداوند قرار گرفته‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۱۱/۴۶۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۸/۲۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۵/۲۸۰؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ۳/۳۴۸؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق، ۴/۱۸۷) که با این وجود، نسبت دادن این صفت به امام حسن علیه السلام، افتزایی محض و ستمی آشکار خواهد بود.

۱۶. در صفحات قبل به این روایات با ذکر منبع اشاره شد.

۱۷. پرواضح است که نصیحت به میان انجمن سرزنش است و ضروری است که نصیحت پنهانی صورت

مبالغه‌ها و گزافه‌گوییهای موجود در برخی روایات نشان از مجعول بودن آنهاست. به عنوان مثال در روایتی آمده است: امام حسن علیه السلام زنی را به نکاح خود درآورد و صد کنیز به عنوان مهریه‌اش تعیین نمود و همراه هر کنیز هزار درهم بود! (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ۲۸۰/۷؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ۷۰/۱۵؛ ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۲۲۲/۲؛ طبرانی، بی تا، ۲۷/۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۳۷/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ۴۳/۸). هم‌چنین در برخی روایات نقل شده: تعداد زیادی زن، پابرنه و سرلخت به دنبال جنازه امام حسن علیه السلام به راه افتادند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۸/۴۴ و ۱۶۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۳۰/۴) و فریاد و فغان می‌کردند که: ما همسران امام حسن هستیم (ر.ک: صلابی، ۱۴۲۵ق، ۳۳). پیداست به‌رغم آنکه دروغ بودن امثال این روایات از رکاکت و غیرمنطقی بودن و نامعقول بودن محتوای آنها پیداست، از جمله آماراتی است که ثابت می‌کند افرادی - آگاهانه یا ناآگاهانه -^{۱۸} در صد تخریب و افترا افکنی علیه امام حسن علیه السلام بوده‌اند.

نتیجه

۱. به اتفاق امت اسلامی امام حسن علیه السلام از پیشوایان دینی و از محبوب‌ترین افراد نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده و به گواهی رسول خدا صلی الله علیه و آله، سالار جوانان بهشت و محوری برای وحدت امت اسلامی بوده است.

۲. گستره اسناد و مدارک مربوط به مطلق بودن امام حسن علیه السلام محدود به مذهبی خاص نیست، بلکه در منابع و مآخذ شیعه و سنی در این مورد روایات و گزارشهایی یافت می‌شود.

۳. با آنکه برخی فقها، بر روایات و گزارشهای موجود مبنی بر مطلق بودن امام حسن علیه السلام صحه گذاشته و طبق آن، اصل را در طلاق بر اباحه دانسته‌اند، اما حقیقت امر آن است که قدمت و کثرت نقل، دلیل صحت این روایات نیست و بر اساس ملاک‌های معتبر سنجش سند روایات، هیچ یک از این روایات و گزارشهای تاریخی از اعتبار لازم برای اثبات این موضوع برخوردار نمی‌باشد؛ چه، روایات مطلق بودن امام حسن علیه السلام در هیچ

۱۸. این‌گونه روایات و گزارشهای تاریخی یا ساخته و پرداخته دوستان نادانی است که به قصد فضیلت‌تراشی، عملاً به تخریب شخصیت می‌پردازند و با طراحی و برنامه‌ریزی دشمنان خبره و باتجربه‌ای است که ماهرانه، جهل دوستانِ جبهه مخالف را حربه و ابزار جنگ علیه آنها قرار می‌دهند.

یک از کتب معتبر روایی اهل سنت جز مصنف ابن‌ابی‌شیبہ نیامده که هر دو روایت این کتاب، مرسل و ضعیف است. در کتب روایی امامیه نیز با وجود کثرت نقل، این روایات، یا از حیث اتصال سند یا از جهت مجهول بودن راوی و یا از حیث عدم وثوق راوی قابل اعتماد نیستند. روایات و گزارشهای تاریخی نیز به دلایل فوق از وثوق برخوردار نبوده و نمی‌توان به آنها تکیه کرد.

۴. محتوای روایات و گزارشهای تاریخی مبنی بر مطلق بودن امام حسن علیه السلام و نیز تحلیل آماری این اسناد و مدارک، حکایت از تعارضی آشکار و تضادی فاحش میان این روایات و روایات صحیح نقل شده پیرامون شخصیت و فضایل امام حسن علیه السلام دارد. پرواضح است: شخصی را که در احادیث متواتر یا صحیح ستوده شده، نمی‌توان به استناد روایاتی ضعیف و به پشتوانه گزارشهایی از کتابهای تاریخی که صحت آنها معلوم نبوده و گاه کذب آنها قطعی است، تخریب کرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٥ق.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبةالله، شرح نهج البلاغة، قم، کتابخانه آیتالله مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعديل، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٢٧١ق.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد، کتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار، ریاض، مکتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
- ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاریخ، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤١٧ق.
- همو، اللباب فی تهذیب الأنساب، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ابن ادیس حلی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٠ق.
- ابن الوردی، عمر بن مظفر، تاریخ ابن الوردی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٧ق.
- ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، جامع المسائل، بی جا، دارعالم الفوائد، ١٤٢٢ق.
- همو، مجموع الفتاوی، مدینه، مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشریف، ١٤١٦ق.
- ابن جماعه کنانی، محمد بن ابراهیم، ایضاح الدلیل فی قطع حجج اهل التعطیل، مصر، دارالسلام، ١٤١٠ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤١٢ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، هند، مطبعة دائرة المعارف النظامیة، ١٣٢٦ق.
- همو، لسان المیزان، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ق.
- ابن حزم، علی بن احمد، جمهرة انساب العرب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤٠٣ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام احمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ١٣٨٥ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تاریخ ابن خلدون)، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٨ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، طائف، مکتبة الصدیق، ١٤١٦ق.

- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن عابدین، محمد امین بن عمر، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال (کتاب الضعفاء)، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰ش.
- ابن فورک انصاری، محمد بن حسن، مشکل الحديث و بیانه، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۸۵م.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، قاهره، مکتبه القاهرة، ۱۳۸۸ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بی جا، داراحیاء الکتب العربیة؛ فیصل عیسی البابی الحلبي، بی تا.
- ابن مازه، محمود بن احمد، المحيط البرهانی فی الفقه النعمانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابن همام، محمد بن عبدالواحد، فتح القدير، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، المختصر فی اخبار البشر، مصر، المطبعة الحسینیة المصریة، بی تا.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، صیدا - بیروت، المکتبه العصریة، بی تا.
- ابوطالب مکی، محمد بن علی، قوت القلوب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز، بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
- البانی، محمد ناصرالدین، سلسلة الأحادیث الضعیفة و الموضوعة و أثرها السیئ فی الأمة، ریاض، دارالمعارف، ۱۴۱۲ق.
- بحرانی آل عصفور، حسین بن محمد، الأنوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، قم، مجمع البحوث العلمیة، بی تا.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دمشق، دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- بری، محمد بن ابی بکر، الجوهرة فی نسب النبی و اصحابه العشرة، ریاض، دارالرفاعی، ۱۴۰۳ق.
- بهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع عن متن الإقناع، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، مصر، مطبعة مصطفى البابی الحلبي، ۱۳۹۵ق.
- جزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الأربعة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
- جمعی از نویسندگان، مجموعه نفیسة فی تاریخ الأئمة علیهم السلام، بیروت، دارالقاری، ۱۴۲۲ق.
- جوینی، عبدالملک بن عبدالله، نهاية المطلب فی درایة المذهب، بی جا، دارالمنهاج، ۱۴۲۸ق.

- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لإحياء التراث، ١٤٠٩ق.
- همو، هدایة الأمة الی احکام الأئمة ﷺ، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ١٤١٤ق.
- حلّی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلّی، نجف، المطبعة الحیدریة، ١٣٨١ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی جا، بی نا، ١٣٧٢ش.
- دهلوی، احمد بن عبدالرحیم، حجة الله البالغة، بیروت، دارالجليل، ١٤٢٦ق.
- دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، بیروت، دارالکتب العربی، ١٤١٣ق.
- همو، سیر اعلام النبلاء، قاهره، دارالحدیث، ١٤٢٧ق.
- همو، میزان الإعتدال فی نقد الرجال، بیروت، دارالمعرفة، ١٣٨٢ق.
- زحیلی، وهبه، الفقه الإسلامی و ادلته، دمشق، دارالفکر، بی تا.
- زرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت، دارالعلم للملایین، ٢٠٠٢م.
- زیلعی، عثمان بن علی، تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق و حاشیة الشلبی، قاهره، المطبعة الكبرى الأمیریة، ٣١٣ق.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الأنساب، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ١٣٨٢ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، بی جا، مکتبة نزار مصطفى الباز، ١٤٢٥ق.
- صفدی، خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، بیروت، داراحیاء التراث، ١٤٢٠ق.
- صلابی، علی محمد محمد، امیرالمؤمنین الحسن بن علی بن ابی طالب - شخصیت و عصره، مصر، دارالتوزیع و النشر الإسلامیة، ١٤٢٥ق.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، بیروت، المکتب الإسلامی، ١٤٠٣ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، قاهره، مکتبة ابن تیمیة، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ١٣٩٠ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، بیروت، دارالتراث، ١٣٨٧ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، نجف، المکتبة الرضویة، بی تا.
- همو، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران، المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ١٣٨٧ق.
- عجلی کوفی، احمد بن عبدالله، تاریخ الثقات، بی جا، دارالباز، ١٤٠٥ق.
- غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.

- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، دار و مكتبة الهلال، بی تا.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، قاهره، دارالكتب المصرية، ۱۳۸۴ق.
- قمی، عباس، سفینة البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور، ۱۴۰۶ق.
- مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکنال فی اسماء الرجال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- مقدسی، عبدالرحمن بن محمد، الشرح الكبير علی متن المقنع، بیروت، دارالكتاب العربی، بی تا.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بور سعید، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
- مقریزی، احمد بن علی، اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، بی جا، المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، بی تا.
- الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، کویت، دارالسلاسل، ۱۴۲۷ق.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- هروی، علی بن محمد، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۲ق.